

# تاکتیک و روش های پیامبر در ابلاغ رسالت

غلام نبی گلستانی

## چکیده

تبلیغات در دنیای امروز امری بسیار حساس است، چنان که رسماً بخش عمده‌ای از بودجه‌ی هر کشور صرف شناخت مکتب‌ها، نظام‌ها، شخصیت‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی می‌شود و نفوذ نظام‌ها، مکتب‌ها و استیفای حقوق هر ملت و کشور به توان تبلیغی آن بستگی دارد. از آنجا که فلسفه‌ی بعثت انبیاء علیهم‌السلام و هدف نهایی کتاب‌های آسمانی نیز اجرای تبلیغات، یعنی رساندن پیام وحی به مردم و جلب همکاری و همراهی و کسب رأی اعتماد آنان است، اهمیت تبلیغ به عنوان یک مؤلفه‌ی ضروری در حرکت‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی پیامبران روشن است، و همچنین از آن جهت که اسلام، به عنوان یک مکتب جهانی و جاودانی،

مسئولیت هدایت تمام انسان‌ها را عهده‌دار است، مسأله‌ی تبلیغ و ترویج احکام آن بسیار مهم است.

از این رو شناخت حیات تبلیغی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و توجه به شیوه‌ها و روش‌هایی که آن بزرگوار برای دعوت الهی خویش به کار گرفت، که نتیجه‌ی آن تحول عظیم فرهنگی و فکری و مدنی در فرصتی کوتاه در جامعه، بلکه جهان معاصر وی شد، در خور تأمل بایسته است. نگارش این مقاله در راستای شناسایی شیوه و روش‌هایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در امر مهم تبلیغات به کار بسته است.

**واژگان کلیدی:** تبلیغ - تبلیغات، رسالت، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، شیوه‌ها، روش‌های تبلیغی.

### ۱) جایگاه تبلیغات در دنیای معاصر

تبلیغات در عصر حاضر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چنان‌که رسماً بخش عمده‌ای از بودجه‌ی عظیم هر کشوری صرف این امر حیاتی و سرنوشت ساز می‌شود، و شناسایی مکتب‌ها، نظام‌ها، و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و اجتماعی و غیر آن از همین طریق صورت می‌پذیرد.

جذب ملت‌ها و توده‌های مردمی و تأمین منافع دولت‌ها، ملت‌ها، شرکت‌ها و نظایر آنها بر این محور بار است.

در استعمار مدرن و فرامدرن، به جای اقدام آشکار در تجاوز، کشتار و غارت، با بهره‌گیری از ایستگاه‌ها و مراکز تبلیغاتی، همچون خبرگزاری‌ها، مطبوعات، رادیو، تلویزیون، سینما و دستگاه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای، به نابود کردن فکر و معنویت از طریق تبلیغات اقدام می‌کنند.

افراد کشورهای جهان سوم و توده‌های ضعیف و کم‌فرهنگ، قربانی تبلیغات زهر آگین انسان‌ها و دستگاه‌های شیطانی دولت‌های مقتدر و استعمارگر می‌شوند.

تحریف تاریخ، انحطاط جوامع جای ترور را گرفته و آزادی خواهان و رهبران و سنگرداران ظلم ستیز را با بهره گیری از ابزارهای تبلیغاتی همچون حقوق بشر، دمکراسی، آزادی، صلح و برابری به زنجیر می کشند. مارشال مک لوهان، جامعه شناس و نظریه پرداز معروف جهان، در باب اهمیت و ارزش رسانه های تبلیغاتی می گوید:

پیام همان وسیله ای ارتباطی است. رسانه ها از طریق پیام های خود بر فرهنگ و تفکر تأثیر می گذارند و به آن شکل می دهند. رسانه ها شیوه ای فعالیت و روابط انسان ها را شکل می دهند و درجات آن را تعیین می کنند (رزاقی، ۱۳۷۷، ۲۱).

در جهان امروز پیشرفت و نفوذ نظام ها و مکتب ها در استیفای حقوق هر ملت و کشوری، معمولاً به توان تبلیغی آن بستگی دارد که طبیعتاً هزینه و بودجه ای اختصاصی آن از هزینه های کمرشکن تسلیحاتی و نظامی، اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست.

امروز دستگاه های تبلیغاتی با به کارگیری ابزار و شیوه های نوین تبلیغی و با مساعدت و حمایت مادی و معنوی کارتل ها و تراست های بین المللی، اقدام به تزریق و تلقین بینش و منش جدید و تحریف ارزش ها و سنت های ملی و مذهبی و افکار و عقاید می نمایند.

به فرموده ای امام خمینی علیه السلام:

مسأله ای تبلیغات امروز یک اولویت خاصی دارد (صحیفه نور، ۱۶، ۱۸).  
باید از اسلحه ای تبلیغات آنها (دشمن) بیشتر ترسید (همان، ۲۶/۱۲/۶۱).  
تبلیغات اساس کار است و موجب تشتت و یا انسجام یک ملت است (همان، ۲۴/۸/۶۰).

تبلیغات اساس کار است و مسأله ای بسیار مهمی است که می شود گفت، در دنیای امروز، در رأس همه ی امور قرار گرفته و می توان گفت دنیا بر دوش تبلیغات است (صحیفه نور، ۱۴، ۴۴).



آری امروز صلح جویمان صلیبی عصر جدید تا آنجا که ممکن است از طریق جنگ های تبلیغاتی و فرهنگی به قتال و ستیز با ملل تحت ستم، به ویژه مسلمانان، برخاسته اند و در این قتال عظیم قتل عام بزرگ مغزها و اندیشه ها و دل ها و ایمان ها را با استفاده از ابزار تبلیغی انجام می دهند.

در کار واژه های غربی تبلیغ به معنای نشر عقاید، اطلاعات و شایعات به منظور کمک کردن و یا لطمه وارد ساختن به شناخت، نهاد، یا اعتقاد و یا شخصیت معین و یا عقاید و حقایق و ابهاماتی است که به طور مشخص جهت پیشبرد هدف های شخصی یا عقیم ساختن پیشرفت هدف های دیگران انتشار می یابد.

و به قول هربرت مارکوزه:

تبلیغات امروز غرب، به دنبال آن نیست که درست را از نادرست و حقیقت را از اشتباه بازشناسد، بلکه آنچه را که بخواهد، به صورت حقیقت یا اشتباه، به ذهن آدمیان تحمیل می کند و آن را در برابر کاری انجام شده قرار می دهد (مارکوزه، بی تا، ۷).

و یا به گفته ی گوبلز، وزیر تبلیغات آلمان نازی:

کار تبلیغ فقط در کنترل خدمات اطلاعاتی و هنری خلاصه نمی شود، بلکه تبلیغات وسیله ای برای کنترل تمام امور زندگی و تفکرات جهانی است (راجر مانول، بی تا، ۳۳۶).

## ۲) انبیاء علیهم السلام و رسالت تبلیغی

فلسفه ی بعثت انبیاء علیهم السلام و سفیران الهی و هدف نهایی کتاب های آنان ارشاد و هدایت مردم و اجرای مسأله ی تبلیغات، یعنی رساندن پیام خداوند بوده است، زیرا تکامل توده های مردم در سایه ی همین امر نهفته است، و چنانچه این امر مقدس دینی و اجتماعی برچیده شود، جامعه دچار هرج و مرج گردیده و سر از توحش و حیوانیت در می آورد. در آیات متعدد قرآنی هدف انبیاء علیهم السلام بشارت

دادن در برابر کارهای نیک و بیم دادن در مقابل انحرافات یاد شده است، که دو پال مهم تبلیغی محسوب می‌شود؛ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ (بقره، ۲۱۳).

در مورد دیگری قرآن تبلیغ را عامل حیات واقعی بشر دانسته و بر ارزش آن تأکید ویژه‌ای کرده است (انفال، ۷).

همچنین قرآن وظیفه‌ی تمام پیامبران عليهم السلام را دعوت به توحید و اجتناب از شرک و پرهیز از پذیرش انواع طاغوت‌ها دانسته است؛ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل، ۳۶).

انبیاء عليهم السلام در راستای جلب همکاری و همراهی و کسب رأی اعتماد و پشتیبانی مردم از ابزار تبلیغات و پیام رسانی، به عنوان یک عنصر ضروری در حرکت‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، بهره می‌بردند و با تبلیغات بر تصرف قلوب و تهییج عواطف و تنویر افکار و سازماندهی رفتار می‌پرداختند. از تبلیغات به عنوان ابزاری کارآمد در بیدارگری مردم در برابر دشمن و نیروی عظیم و زوال‌ناپذیر استفاده می‌کردند.

انبیاء عليهم السلام نه فقط به تبلیغات لفظی بسنده نکردند که برای پاسداری از آرمان‌هایشان از تبلیغات عملی بیش از لفظی استفاده می‌کردند، یعنی اعمال آنها در طول تاریخ باید سرمشق ما و همه‌ی اهل تاریخ تا ابد باشد. وقتی سیره‌ی انبیاء عليهم السلام را مورد تحقیق قرار می‌دهیم می‌بینیم که در راه دین و پاسداری از آن همه چیز خود را اهدا کردند و در طول تاریخ زحمت‌ها متحمل شدند. هنگامی که موسی عليه السلام مأمور شد پیام خدا را به فرعون و فرعونیان ابلاغ کند احساس کرد بار سنگین رسالت فوق العاده مشکلی بر دوشش گذارده شده است؛ از این رو شروع کرد با خدا صحبت کردن و یک سلسله تقاضا کردن:

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي  
يَقْفُوهُ أَقْوَابِي وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي وَ  
أَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا وَ نَذْكُرَكَ كَثِيرًا (طه، ۳۴-۲۵).



تقاضا می‌کند: «خدا یا به من شرح صدر، ظرفیت روحی وسیع، تحمل فوق‌العاده زیاد، آسانی کار و باز شدن گره از زبان عطا کن، تا مردم بتوانند سخن او را درک کنند و او بتواند پیام را به مردم تفهیم کند و چون بار بسیار سنگینی است درخواست کمک می‌کند و خواستار معاونت برادرش هارون در این امر می‌شود، برای آن که راندمان کار زیاد باشد، نه این که افناعی در کار باشد.

در جای دیگر در سوره‌ی انشراح خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این معنا را به صورت کاری انجام شده بیان می‌کند:

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (انشراح، ۶-۱).

ای پیامبر ما به تو شرح صدر و ظرفیت فراوان ندادیم؟ یعنی ظرفیت فراوان شرط این کار است و ما این شرط را به تو دادیم و این بار سنگین را از دوش تو برداشته‌ایم. در آنجا موسی عَلَيْهِ السَّلَام تقاضا کرد این بار سنگین را بر من آسان کن، اما در اینجا به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید این بار سنگین را از دوش تو برداشتیم؛ آن بار سنگین که از شدت سنگینی نزدیک بود پشت تو را بشکند. ای پیامبر کار سخت است اما اگر سختی‌ها را تحمل کنی با سختی‌ها آسانی هست و هر سختی در درون خودش آسانی را به همراه دارد؛ کنایه از این که صبر و استقامت پیشه کن. کار انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام در تبلیغ یک حرکت است که به واسطه‌ی آن انسان را از منزل نفس به سوی حق حرکت دهند و مهم‌ترین کار آنها رهانیدن بشر از خود و به حق رساندن اوست.

تبلیغ و دعوت انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام این بود که بشر را از درون خودش علیه خودش بشورانند، که نام آن را بازگشت به خویش و توبه می‌گذارند. حرکت دادن انسان‌ها از خود محوری و نفس پرستی به سوی حق پرستی، که کاری بسیار سخت و توان فرساست.

این که خداوند این حقیقت را با پیامبر خود بازگو می‌کند و در اختیار همه‌ی

امت نمی‌گذارد، عداوت این است که باید این را آموخت.  
 آری اگر آیه‌ای در سوره‌ی مزمل از فوق‌العاده سنگینی در تبلیغ در خطاب به پیامبر ﷺ می‌گوید: ما به زودی سخنی سنگین بر تو القا خواهیم کرد، چیزی جز همان دعوت و هدایت مردم نیست. سخن سنگین آن است که محتوا و مدلول آن سخت و دشوار باشد (مزمل، ۵).

در آیه‌ی دیگر هدف از بعثت انبیاء ﷺ و اعزام آنها را تبشیر و انذار و مجادله با انحراف دانسته است؛ وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ يُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ مَا أَنْذَرُوا هُزُوًا (کهف، ۵۶).  
 اهمیت تبلیغ و ارشاد در سیره‌ی انبیاء ﷺ تا آنجا مهم شمرده شده که اگر کافری خواهان شنیدن مطالب حق شد باید در کمال رأفت و مهرورزی با خواسته‌ی او موافقت و حقایق الهی را به او رساند؛ وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ... (توبه، ۶).

در نگرش قرآنی پیامبرانی با توجه به مقام تبلیغ ستوده می‌شوند؛ وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (فصلت، ۳۳).

این آیه، به صراحت، ارزش تبلیغ و داعی به حقایق بودن را می‌رساند و نیز از حضرت هود ﷺ به عنوان یک مبلغ موفق یاد شده است؛ أُولَئِكَ نَبَاؤُا نَبَاؤِ الْأَنْبِيَاءِ وَ مَا كُنَّا نُنزِلُ الْكِتَابَ إِلَّا لِقَوْمٍ أُولِي الْأَلْبَابِ أُولَئِكَ نَبَاؤُا نَبَاؤِ الْأَنْبِيَاءِ وَ مَا كُنَّا نُنزِلُ الْكِتَابَ إِلَّا لِقَوْمٍ أُولِي الْأَلْبَابِ أُولَئِكَ نَبَاؤُا نَبَاؤِ الْأَنْبِيَاءِ وَ مَا كُنَّا نُنزِلُ الْكِتَابَ إِلَّا لِقَوْمٍ أُولِي الْأَلْبَابِ  
 أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (اعراف، ۶۸).

و در برخی از آیات از خود خدا به عنوان مبلغ یاد شده است (اعراف، ۹۳؛ هود، ۵۷؛ نوح، ۸۷ و شورا، ۱۱۵).

### ۳) پیامبر اسلام ﷺ و مسأله‌ی تبلیغ

از آنجا که اسلام تنها مکتب جهانی و جاودانی است و مسؤولیت هدایت تمام انسان‌های جهان را عهده‌دار است و این مهم بر دوش مسلمانان، و به ویژه پیامبر اسلام ﷺ است که باید احکام و دستورات اسلام را به اقصی نقاط جهان برسانند و به تبلیغ و ترویج احکام و معارف اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین

رسالت اقدام کنند، عظمت این موضوع کاملاً مبرهن می‌شود. از این رو پیامبر اسلام ﷺ در نخستین روزهای بعثت از جانب خداوند متعال مأمور به انداز می‌گردد؛ «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ» (مدثر، ۲-۱) و تکلیفش با افراد منحرف و خطاکار و بی‌فرهنگ آشکار می‌گردد و مأمور به هدایت و تبلیغ آنان می‌شود. ای پیامبر کوچک‌ترین غفلت و معطلی نکن و سیاه دلان را به سوی نور هدایت کن و از کيفر الهی بترسان.

قرآن عمل به این وظیفه مهم اجتماعی را از ضرورت‌های دینی می‌شمارد (سوره عصر)، و آن را یک امتیاز انسانی و ایمانی به حساب می‌آورد (توبه، ۷۱)، و به طور کلی خوشبختی و سعادت جامعه‌ی اسلامی را به پایداری و اجرای تبلیغات می‌داند (بقره، ۲۱۳).

خود قرآن پیامبر را مأمور ساخت که هرگز از پای ننشیند و آنی از تبلیغ و مبارزه با شرک و بت‌پرستی آرام نگیرد؛ «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (هود، ۱۲)، و در برابر خواست سران کفر و وعده و وعیدهایی که داده بودند فرمود:

وَاللَّهُ لَوْ وَضَعَتِ الشَّمْسُ فِي عَيْنِي وَالْقَمَرُ فِي يَسَارِي مَا أَتْرَكَ هَذَا الْقَوْلَ حَتَّىٰ أُنْفَذَهُ أَوْ أَقْتَلَ دُونَهُ (ابن اثیر ۲، ۱۳۸۷ هـ، ۶۶؛ طبری ۲، ۶۷ و امینی ۷، ۱۴۰۵ هـ، ۳۰).

در سیره‌ی پیامبر ﷺ تبلیغ همان رسانیدن پیام حق و فرامین الهی به کلیه‌ی افراد بشر و تشویق و دعوت آنان به اطاعت و پیروی از حق و حقیقت و شناساندن بدی‌ها و پلیدی‌ها و ترسیم و ارائه‌ی شیوه‌های مبارزه و ستیز با آنهاست.

هرگز، بدون تبلیغ، سنت و سیره‌ی رسول خدا ﷺ و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام برای توده‌های مردمی در تاریخ روشن نمی‌گردد و انسان‌های قرون بعد از معصومین نمی‌توانند به احکام الهی و صفات اسوه‌های انسانیت دسترسی پیدا کنند. مبارزه با هرگونه فساد و انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی و تبلیغات گسترده‌ی اسلامی در پرتو تبلیغ امکان‌پذیر است و هرگونه کوتاهی در این امر بی‌تفاوتی



نسبت به فرهنگ غنی اسلام و ارزش‌های الهی است و فلسفه‌ی تأکیدات آیات و روایات بر لزوم قیام در راستای انجام این مسؤلیت و پرهیز از بی‌تفاوتی در همین راستاست.

از این رو، تبلیغ در اسلام با عرف جهانی فرق می‌کند، چون در مفهوم اسلامی و سیره‌ی نبوی تبلیغ همان ارائه‌ی سیمای اسلام از طریق برهان و دلیل براساس افکار و شعور مخاطبین و شرح ارزش‌های الهی و بیان مقام والای رهبران آسمانی است.

قرآن در خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

سَنُلْقِيْكَ عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيْلًا (مزل، ۵).

ما به زودی سنگینی سخنی را بر تو القا خواهیم کرد که همان دعوت و هدایتشان می‌باشد.

پیامبر ﷺ، در خطاب به امام علی عليه السلام، از تبلیغ به عنوان اقدامی سترگ و ماندگار و کارآمد یاد می‌کند.

يا علي لا تقا تل احداً حتى تدعوه الى الاسلام و ايم الله لان يهدى  
الله بيدك رجلاً خيراً لك مما طلعت عليه الشمس و غربت (حر عاملی،

۱، ۳۰؛ متقی هندی، ۱۳، ۱۰۷؛ صحیح مسلم، ۵، ۱۹۵؛ ابن ابی

الحدید، ۴، ۱۳؛ طبری، ۲، ۳؛ مجلسی، ۱۹، ۱۴۰۳، ۱۶۷).

امام علی عليه السلام نیز در نهج البلاغه تبلیغ اسلام و دعوت مردم به سوی حق تعالی را مهم‌ترین رسالت پیامبر ﷺ بر شمرده است:

خداوند متعال پیامبر ﷺ را فرستاد که خلائق را به سوی حق تعالی دعوت

فرماید و بر اطاعت و معصیت آنان شاهد و گواه باشد. پس او احکام

پروردگارش را تبلیغ کرد؛ بدون هیچ سستی و قصور (نهج البلاغه، خ ۱۱۵).

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

خبر دهم شما را به گروهی که نه پیامبرند و نه شهید؛ لکن پیامبران و شهدا به

مقام و منزلت آنان غبطه می‌خورند. آنان کسانی هستند که بندگان الهی را به

خدا و خدا را به بندگان مهربان می سازند و در روی زمین با دل سوزی حرکت می کنند. مردم را به اطاعت خدا و اجتناب از گناهان فراخوانده اند خداوند آنان را دوست می دارد و آنان نیز خدا را (مقتی هندی، ۳، ۷، ح ۵۵۶۵).

#### ۴) شیوه ها و تاکتیک های تبلیغی پیامبر اسلام ﷺ

حیات تبلیغی پیامبر ﷺ و شیوه هایی که آن بزرگوار برای دعوت الهی خود به کار می بستند، از ابعاد مهم جنبه های زندگی پیامبر ﷺ است، که تا کنون توجه شایسته و بایسته ای به آن صورت نگرفته است.

منظور همان روش های فرهنگی ارتباطی است که با به کار بستن آن توانست ساکنان جزیره العرب را وادار به دست کشیدن از باورهای دیرینه و گرویدن به آیین نو کند و مردمی به لحاظ فرهنگی و تمدن بسیار ابتدایی، بسیط، غریزه، محور، خودبنیاد، مرد سالار، خرافه پرست و به لحاظ اجتماعی دارای ساختاری از هم گسیخته و فاقد همگرایی اجتماعی را به سمت و سوی جامعه ای متمدن و متکامل و دارای دانش و بینش و اخلاق رهنمون سازد و با بهره گیری از آموزه های بسیار عمیق خویش به ابلاغ رسالت و تغییر هاضمه ی فرهنگی جامعه ی خویش بپردازد.

و گرانبارترین معانی را با ظریف ترین شکل آن به خورد مردم دهد و آنان را به هم گرایی، رهبری واحد، مهرورزی، عزت مداری و کرامت مندی سوق دهد و جامعه ای را مهندسی کند که احقاق حق، حقوق شهروندی، حقوق اقلیت ها و حقوق خانواده به شایستگی نهادینه شود.

گرانیکاه این مقاله کنکاش در راستای کشف درک شیوه های پیامبر ﷺ در مقام ابلاغ و تبلیغ است.

بهره گیری از روش های مرتبط با روح و فرهنگ انسان ها و استفاده ی بینه از شرایط، در کنار برخورداری پیام از حقیقت و راستی، ابزارای مناسب برای

گسترش و همگانی ساختن پیام است.

پیامبر اسلام ﷺ در تبلیغ و اعلام دین اسلام و گسترش معارف الهی از بهترین روش ممکن بهره گرفت و به همین دلیل در مدت نه چندان زیادی توانست بنیانگذار یکی از ادیان پرطرفدار جهان باشد؛ چنان که  $\frac{1}{4}$  مردم جهان طرفدار اسلام و معتقد به آن هستند.

پیامبر ﷺ در پرتو شیوه‌ها و روش‌های خاص تبلیغی توانست پیام الهی را به گوش همه برساند و در اندک مدتی به یکی از قدرت‌مندترین حاکمان جهان در زمان خود تبدیل شود و پیام او برای همیشه از مناره‌های جهان اسلام طنین انداز شود.

### روش‌های تبلیغی

قرآن پیرامون روش‌های تبلیغی و ارشاد آن حضرت چنین می‌فرماید:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ  
أَحْسَنُ (نحل، ۱۲۵).

طبق این آیه حضرت باری تعالی برنامه‌ی تبلیغی پیامبر اسلام ﷺ را در سه روش مشخص و به وسیله‌ی امین وحی به حضرتش ابلاغ نموده است.

۱) دعوت مردم به آیین الهی از راه بیانات حکیمانه و به وسیله‌ی سخنان عقل‌مدارانه و علمی؛

۲) دعوت از راه موعظه‌ی حسنه و اندرزهای نیکو؛

۳) دعوت به وسیله‌ی بحث و جدل، اما جدلی که با بهترین صورت تحقق پذیرد و منزله از مرء و خصومت باشد.

نخست‌نگاهی به واژگان به کار رفته در این آیه می‌اندازیم و سپس توضیح لازم را درباره‌ی آن می‌دهیم.

راغب اصفهانی در باب حکمت می‌گوید:

الحكمة اصابة الحق بالعلم والعقل (راغب اصفهانی، بی‌تا، ماده حکم).

حکمت همان دست یافتن به حق و واقعیت است؛ از راه علم و عقل. همچنین در باب موعظه می‌گوید:

الوعظ، التذکیر بالخییر فیما یرقّ له القلب (همان، ماده وعظ).  
وعظ عبارت است از یاد آور ساختن شخص در کار خیر به گونه‌ای که در وی اثر عاطفی بگذارد و موجب رقت قلبش گردد.  
و در معنای جدل چنین می‌گوید:

الجدل المفاوضة علی سبیل المنازعة و المغالبة (همان، ماده جدل).  
جدل عبارت است از بحث و درگیری دو فرد و یا دو گروه با یکدیگر که هر یک بخواهد در سخن بر دیگری غلبه نماید.  
از این آیه برمی‌آید که راه خدا حکمت و موعظه‌ی نیکو نیست، بلکه حکمت و موعظه‌ی نیکو وسیله‌ای است برای سوق دادن مردم به راه خدا. نکته‌ی جالب توجه در این آیه این است که سه روش تبلیغی در مورد افراد متفاوت بیان داشته است.

الف - با افراد باسواد و نکته سنج، با شیوه‌ی علمی و حکمت؛  
ب - با اشخاصی که فطرت سالم داشته و پند پذیرند از طریق عاطفی و نصیحت؛  
ج - با گروه عنود و لجوج از راه مناظره و جدل.  
این سه شیوه، ضمن آیات متعددی در قرآن آمده و رسول‌گرامی اسلام در راه دعوت به دین خدا از آنها استمداد جسته است، به علاوه خود آن حضرت نیز مکرر براساس این سه روش سخن گفته و در دعوت خود از آن بهره برده است.

آیاتی که مربوط به دعوت حکیمانه‌ی رسول‌گرامی است مربوط به حقایقی است که واقعیتش بر عقل و علم پوشیده نیست و اغلب مربوط به اثبات یکتاپرستی و سایر معتقدات یا ناظر به ابطال بت پرستی و دیگر عقاید باطل است یا حاوی قسمتی از مقررات حکیمانه و سعادت بخش اسلام است.  
به عنوان نمونه و شاهد به مضمون چند آیه از سوره اسراء آیات ۳۱ تا ۳۷،

- که مشتمل بر پاره‌ای از احکام دینی است، توجه فرمایید.
- ۱) فرزندان خود را از ترس فقر و تنگدستی به قتل نرسانید.
  - ۲) بدون مجوز قانونی کسی را به قتل نرسانید.
  - ۳) دامن را به تردامنی یا عمل منافعی عفت نیالایید.
  - ۴) دست درازی به مال یتیم نکنید مگر آن که خیر و صلاح او در آن باشد.
  - ۵) عهد و پیمان را محترم شمارید و نسبت به آن وفادار باشید.
  - ۶) کم فروشی نکنید و در کیل و وزن خیانت ننمایید.
  - ۷) از چیزی که به حجت آن علم ندارید پیروی نکنید.
  - ۸) در جامعه و ارتباط با دیگران با کبر و غرور و نخوت برخورد نکنید.
- همه‌ی احکام فوق مورد قبول عقل و علم است و خود خدا در آیه‌ی بعدی از آنها به عنوان حکمت یاد می‌کند؛ «ذَلِكَ بِمَا أُوحِيَ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ (اسراء، ۳۹)».

نمونه‌ی آیاتی که به زبان موعظه و نصیحت نازل گردیده و رسول گرامی ﷺ برای دعوت مردم به راه حق از آنها استفاده نموده بسیار است؛ همچون آیه‌ی شریفه‌ی «أَفَمَنْ يُلْقِي فِي النَّارِ خَيْرًا أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (فصلت، ۴۰).

آیا آن کس که در قیامت به آتش افکنده می‌شود بهتر است یا آن کس که با ایمنی به عرصه‌ی محشر می‌آید؟ امروز شما آزادی عمل دارید هرچه می‌خواهید بکنید که خدا به شما و عمل شما بی‌نیاز و بصیر است.

عربی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت موعظه‌ام کن، چون کمتر دسترسی به شما دارم و مسیرم دور است حضرت سوره‌ی زلزال را برای او قرائت کرد تا به آیه‌ی «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال، ۷-۸) رسید، قال کفانی یا رسول الله (تفسیر برهان، ذیل آیه شریفه) پیامبر مرا بس است.

تأثیر نفوذ مواعظ فقط محدود به دوران نزول نیست؛ هم اکنون نیز همچنان تأثیرگذار و باقی و پایدار است و خوانندگان و شنوندگان را به راه سعادت هدایت

می‌نماید. استماع آیه‌ی «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ» (حدید، ۱۶) فضیل بن عیاض آلوده و گناهکار و دزد را تبدیل به یک توبه‌کار عارف به نام می‌کند؛ «فقال یا رب قد ان مرجع» (قمی، ج ۲، ۲۶۹).

وی با شنیدن این آیه‌ی کوتاه شامل و عظم از تمامی کارهای زشت دست شست و راه زهد و تقوا در پیش گرفت و تا پایان عمر مجاور کعبه‌ی مکرّمه شد. آیات جدل نیز در قرآن به کرات آمده و رسول گرامی صلی الله علیه و آله آنها را برای دعوت به حق به کار برده و در مقام جدل سخن باطل مخالفین را به وجه احسن رد کرده است که نمونه‌های فراوان آن را در باب آیات مرتبط با قیامت می‌توان دید.

ابی بن خلف نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، در حالی که در دست قطعه‌ی استخوان پوسیده‌ای داشت. آن را بین انگشتان خود فشرد و به صورت پودری درآورد و سپس در آن دمید که پراکنده شد. به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «آیا گمان تو آن است که پروردگارت این استخوان را دوباره زنده می‌کند، با آنکه ذرات پراکنده آن را مشاهده کردی؟». آیه نازل شد که انسان مخلوق برای ما مثل می‌زند و خلقت خود را فراموش کرده و می‌گوید: «این استخوان پوسیده و پراکنده را که زنده می‌کند؟». به اینان بگو آن آفریدگار توانایی که اولین بار آن را آفرید و به وجود آورد (یس، ۷۸-۷۶ و حویزی، بی‌تا، ۴، ۳۹۵).

امام صادق علیه السلام در روایتی در تفسیر این آیه، با اشاره به جدال احسن و غیر احسن، می‌فرماید:

اما جدال احسن آن است که خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرمود با منکر زنده شدن بعد از مرگ اعمال نماید و فرمود ای محمد در رد او به وی بگو آن کس استخوان پوسیده را زنده می‌کند که در آغاز به آن حیات بخشیده است (حویزی، بی‌تا، ۳، ۹۵).

این جدل قرآن در دنیای پیشرفته‌ی کنونی بیش از زمان نزول آن ارزش علمی اش آشکار گردیده است؛ چون دانشمندان امثال پاستور با تحقیقات علمی

و تجربی خود ثابت نموده‌اند که موجودات مرده و عناصر جماد به خودی خود دارای حیات نمی‌شوند و باید زنده از زنده پدید آید.

آری این روش‌های سه‌گانه‌ای که به پیامبر ﷺ در قرآن دستور داده شده و معیار عمل امامان معصوم علیهم‌السلام است؛ و در دوران غیبت کبری باید شیوه‌ی عمل بزرگان و دانشمندان عالی قدر اسلام قرار گیرد.

۴) چهارمین شیوه از شیوه‌های تبلیغی پیامبر ﷺ، که عامل مهمی در پیشرفت سریع و گسترده‌ی اسلام بود، کلمات روحانی و مزایای معنوی و ایمان وی به گفته‌های خود بود که برای سعادت و هدایت مردم از صمیم قلب رنج می‌برد و دعا می‌کرد؛ «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ يَا مُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸).

او در تبلیغ دین الهی شجاع بود و از تهدید دشمنان نمی‌هراسید و از دعوت مردم دست بر نمی‌داشت و در تمام مراحل تبلیغ اصول بزرگواری و کرامت اخلاقی را رعایت می‌فرمود. برای نمونه به آیات ذیل توجه فرمایید:

«أَمَرَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» (بقره، ۲۸۵)؛ رسول گرامی ﷺ به آنچه از طرف خدا بر وی نازل شده ایمان کامل داشت و بر اثر این ایمان با سوز و گداز سخن می‌گفت. گفته‌هایش از عمق جان برمی‌خاست و در عمق جان افراد مستعد جای می‌گرفت.

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» (توبه، ۱۲۸).

پیامبر ﷺ با ایمانی که به خدای توانا و اطمینانی که به مأموریت آسمانی خود داشت در راه تبلیغ دین حق و دعوت به یکتاپرستی در کمال صراحت و شجاعت سخن می‌گفت و از مشرکین هیچ‌هراسی به دل راه نمی‌داد؛ «الَّذِينَ يَبُلُّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب، ۳۹).

۵) پنجمین عامل موفقیت و شیوه‌ی تبلیغی پیامبر اسلام ﷺ مراقبت از سجایای اخلاقی و انسانی بود. او در گفتار با مردم کرامت‌های اخلاقی را رعایت می‌کرد و هرگز از مرز فضیلت قدمی فراتر نمی‌گذارد و هرگز از وسیله نامشروع جهت امر

مشروع بهره نمی برد و لذا در برابر کسانی که به او گفتند به شرط این که پس از خود زمام امور رهبری بدانان سپرده شود، فرمود این یک امر آسمانی و الهی است و من در آن نقشی ندارم. «آرایت آن نحن باعناك على امرك ثم اظهرك على من خالفك ليكون لنا نخورنا للعرب دونك فاذا اظهرك الله كان الامر لغيرنا لا حاجة لنا بامرک فابره عليه» (ابن هشام، مجلد یک و دو، ص ۲۶۶)؛ یعنی «اگر امروز با شما در امر نبوت بیعت کردیم و سپس خدا موجبات پیروزی تو را فراهم گردانید آیا زمام امور بعد از شما برای ما خواهد بود؟». حضرت در جواب فرمود: اختیار امر بعد از من برای خداوند است و آن را در هر موردی که بخواهد قرار می دهد.

بدون تردید اگر پیامبر ﷺ آن روز با این خواسته موافقت می کرد، تعداد زیادی از افراد به او گرویده و قدرت وی موجب پیشرفت سریع اسلام می شد، ولی پیشوای اسلام و رهبر مکارم اخلاق هرگز برخلاف شرافت انسانی قدمی بر نمی دارد و در مقام تبلیغ مردم را اغفال نمی کند و به آنان وعده‌ی دروغ نمی دهد.

مرد خدا به مصلحت خلق متکی است

کی مرد مصلحت به فریب اکتفا کند

مکر و فریب حربی نامرد مردم است

نامرد حیل به باز و مردی رها کند

نمونه‌ی دیگر: «فرزند پیامبر ﷺ از دنیا رفت. همزمان با مرگ وی خورشید گرفت. مردم پیش خود گفتند به خاطر مرگ فرزند پیامبر ﷺ است. وقتی این سخن به گوش پیامبر ﷺ رسید مردم را به مسجد فراخواند و بر منبر رفت و هرگونه ارتباط این موضوع را با مرگ فرزندش نفی کرد. (کلینی، کافی، ۳، ۲۰۸) گرچه پیامبر ﷺ می توانست از این مسأله که خود مردم مطرح کردند بهره ﷺ سیاسی و اجتماعی بگیرد، اما هرگز از سخن باطل و فکر خلاف حکمت برای پیشبرد هدف استفاده نکرد.



## ۶) وحدت گرایی و پرهیز از هرگونه کثرت گرایی دینی

از جمله شیوه‌های تبلیغی پیامبر ﷺ تنها دعوت به یک حقیقت و آن دعوت به اسلام و پرهیز از هرگونه شک و تردید در آن یا گزارش به راه‌های مختلف است؛ «هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (انعام، ۱۵۳).

با توجه به کلمه «إِنَّ» در این آیه معلوم می‌شود هرگونه روی آوری به مسیرهای مختلف، اولاً باعث سرگردان ماندن و دور شدن از خداست، ثانیاً حق و حقیقت یک راه بیشتر نمی‌تواند باشد.

«وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (قصص، ۸۵).

در این آیه نیز پیامبر ﷺ تأکید بر یک راه که درست است می‌کند و از هرگونه کثرت گرایی دینی، عقیدتی پرهیز می‌دهد.

«فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» (شوری، ۱۵)؛ این آیه تفریعی بر دو سه آیه‌ی پیشین است، یعنی از آن رو که خداوند راه دین را هموار کرده است دعوت کن و به همین جهت در برابر کسانی که به تفرقه و شک و تردید گراییدند استقامت نما و پیرو هواهای نفسانی آنها نباش.

«وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ» (حدید، ۸)؛ چه شده است که به خدا و رسول ایمان نمی‌آورید و حال آنکه پیامبر شما را به خدا می‌خواند.

در آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره‌ی انعام، پس از بیان مصادیقی از راه درست و حقایق همچون پرستش خدا، احسان به والدین، پرهیز از فرزند کشی، دوری از زشتی‌های ظاهر و باطن، پرهیز از ریختن خون بی‌گناهان، پرهیز از حیف و میل مال یتیمان، وفای به عهد و پیمان و درستی در پیمان‌ها و وزن و عدالت در گفتار و رفتار حتی نسبت به خویشاوندان و... در انتهای آیه می‌گوید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ» (انعام، ۱۵۳)؛ این راه من است آن را دنبال کنید. خدا نیز ضمن

تأیید این روش می‌گوید: «وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مؤمنون، ۷۳).

### ۷) هماهنگی در گفتار و رفتار و یا هم‌سوایی سخن و عمل

یکی دیگر از شیوه‌های تبلیغی پیامبر ﷺ در آمیختگی و هماهنگی گفتار و رفتار اوست، به این معنی که خود به آنچه می‌گفت عامل بود؛ چنان که مردم به خوبی این را شاهد بودند؛ «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت، ۳۳)؛ چه کسی خوش‌گفتارتر از آن است که دعوت به خدا کند و شایسته‌کردار باشد و بگوید من از مسلمانانم.

نه تنها خود چنین بود که پیروان را نیز از هرگونه دو‌رنگی و تفاوت در رفتار و کردار پرهیز داد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ» (مائده، ۵۷).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۲-۳).

رتر موفقیت انبیا و اولیای الهی و نیز تمامی عالمان راستین و مبلغان تأثیرگذار ناشی از همین هماهنگی گفتار و کردار است.

آنان که از چشمه‌ی زلال وحی سیراب‌گشته‌اند، به خوبی می‌دانند که اعمال و رفتار آدمی بهترین سند تأیید محتوای پیام بوده و عمل نکردن به محتوای پیام مبنای دعوت عملی مخاطبین به ریا و نفاق و بی‌قیدی است، و به فرموده‌ی امام علی علیه السلام «ما امرتكم بشيء الا قد سبقتكم يا لعلم به و ما نهيتكم عن شيء الا و قد سبقتكم بالنهي عنه» (نهج‌البلاغه، خ ۱۷۵).

این حقیقت زمانی خودنمایی می‌کند که معمولاً توده‌ی مردم سیمای حقیقی دینی را از منابع و متون اصلی نمی‌توانند به دست آورند، بلکه عمدتاً آن را از دریچه‌ی گفتار و کردار پیامبر ﷺ و اولیای دین علیهم السلام می‌آموزند.

۸) پرهیز از هرگونه تجملات و تشریفات و زندگی ساده و بی‌تکلف داشتن

یکی دیگر از شیوه‌های تبلیغی پیامبر اسلام ﷺ داشتن زندگی ساده و هم‌سطح مردم است و این ناشی از مسؤولیت و رسالت ارشاد و هدایت مردم می‌باشد. زندگی پر تجمل با رهبری و ارشاد و تبلیغ، که لازمه‌ی آن سبک‌باری و سبک‌بالی است، سازگار نیست.

اولین شرط شناوری در دریای حوادث لختی و برهنگی است. آن که می‌خواهد در دریای اجتماع بیفتد باید اول برهنه شود و بعد بیفتد (مطهری، سیری در نهج‌البلاغه، ۱۶۷).

زندگی توأم با تجملات و تشریفات مانع شناخت مبلغ از مشکلات و معضلات مردم می‌شود. با عقل و استدلال صرف و مطالعه‌ی ذهنی نمی‌توان به واقعیات زندگی مخاطبین پی برد.

این است که با نگاهی اجمالی به سیره‌ی پیامبر ﷺ این حقیقت رخ می‌نماید که پرهیز از هرگونه تشریفات و تجملات و اکتفا به حداقل امکانات، صفت برجسته‌ی زندگی اوست. به تعبیر شهید مطهری با کمترین برداشت در جامعه بیشترین بازدهی را برای اجتماع داشتن، آن هم این موضوع تنها در فکر و اندیشه و احساس قلبی و پایان یافتن در ضمیر نبود، بلکه در زندگی عملی وی این سادگی و قناعت موج می‌زد و به حداقل تمتعات و بهره‌گیری از مادیات بسنده می‌کرد و به تعبیر امام علی علیه السلام زاهد از آن جهت زاهد است که نه تنها دل به دنیا ندارد که عملاً نیز از هرگونه تمتع‌گرایی ابا دارد (مطهری، سیری در نهج‌البلاغه، ۲۱۴).

مبلغان وارسته و آزاده که سبک‌باری و سبک‌بالی و قابلیت تحرک و پرواز اصیل‌ترین آرزوی آنهاست، از آن جهت زهد و قناعت را پیشه می‌سازند و نیازها را تقلیل می‌دهند که به نسبت تقلیل نیازها، خویشان را از قید اسارت اشخاص و اشیاء سازند (مطهری، همان، ۲۳۱).

شهید مدرس می‌گوید:

اگر من نسبت به بسیاری از اسرار آزادانه اظهار عقیده می‌کنم، و هر حرف حق را بی‌پرده می‌زنم، برای آن است که چیزی ندارم و از کسی هم نمی‌خواهم. اگر شما هم خود را سبک کنید، و توقع را کم نمایید، آزاد می‌شوید. باید جان انسان از هرگونه قید و بندی آزاد باشد تا از مراتب انسانیت و آزادی خویش حفاظت نماید. پدرم سید اسماعیل همیشه می‌گفت: کسی که به افراط در خور و خواب عادت نکرده باشد، و تنور شکم را دم به دم نتافتد باشد، در برابر زور تسلیم نمی‌شود و در برابر زور و مال دنیا اسیر و سوسه نمی‌گردد (زبان سرخ، بی‌تا، ۶۰).

زندگی عارفانه و زاهدانه‌ی پیامبر ﷺ زبانزد مردم بود، زیرا مردم همواره خودگواه زندگی او و درس آموز درس دین و زندگی و معیشت او بودند. رسول الله ﷺ در شرایطی زاهدترین است که زمام‌دار و صاحب اختیار تمام امور مسلمانان است و همه‌ی امکانات عمومی در اختیار وی قرار دارد و می‌تواند انواع بهره‌وری‌ها را داشته باشد، اما همه‌ی این امکانات را صرف دین و عزت مسلمانان می‌کند و در این فضا ندا می‌دهد «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا» (شوری، ۲۳)؛ من در برابر رسالت خویش هم چشم‌داشتی ندارم و در این شرایط رهبری با زندگی زاهدانه‌ی خویش هم سطح ضعیف‌ترین انسان‌های جامعه زندگی می‌کند، که خود هنر تأثیرگذاری در دیگران است.

لازم به ذکر است که مراد از زهد و بی‌تکلفی این نیست که کسی امکانات و بهره‌وری دنیایی نداشته باشد، زیرا نعمت دنیا و استفاده‌ی صحیح از آن خطر نمی‌باشد، اما بهره‌وری از راه غیر مشروع و وابستگی که باعث غفلت از یاد خدا شده و انسان را از زندگی همیشگی آخرت بی‌خبر نماید، خطر است. سازواری بین این دو هنر هر انسان نیست رسول الله ﷺ بین این دو الفت ایجاد نموده است، به گونه‌ای که در محراب عبادت از رازش مقربان در غبطه‌اند و در میدان تلاش و رزم و عرصه‌ی اجتماع و سیاست یلان و قهرمانان در شگفت. انسانی که در هنگام سختی‌ها آنچنان مقاوم است که شکیبایی را از پای درمی‌آورد، در هنگام

توانمندی آن گونه گشاده رو است که عفو و گذشت شرمسار وی اند.

رسول خدا ﷺ در عین حضور در عرصه‌های سیاست و جنگ و اجتماع، زاهدترین انسان نسبت به متاع دنیا بود. او از زندگی بی‌آلایش و به دور از زخارف دنیا بهره‌مند بود. در مورد مسکن او آمده «توفی رسول الله ما وضع لبنته علی لبنته» (مجلسی ۱۶، ۱۴۰۳ هـ، ۳۲۱) (خشتی را ز بر خشتی نگذارد). در مورد غذای او آمده «ما اکل خبز برّقط ولا شبع من خبز شعیر قط» (همان، ۲۴۳) «ما زال طعامه الشعر حتی قبضه الله الیه» (همان، ۲۴۴) و تا هنگام رحلت غذای سفره‌ی وی نان بود؛ «واخصمهم من الدنیا بطناً» (همان، ۲۸۵). شکم او تورفته و لاغر بود و در مورد فرش او آمده «کان فراش رسول الله عبائه قد حقر الدنیا و صغر و اعرض عن الدنیا بقلبه و امانت ذکرها عن نفسه» (صبحی صالح، ۱۴۰۷ هـ، خ ۱۰۹، ۱۶۲).

آری زندگی زاهدانه‌ی پیامبران نسبت به دنیا از معیارهای ارزشی فطرت پاک نهاد انسان است که در سفیران الهی شکل گرفته و جاذبه‌های آنان را فزونی بخشیده است.

### ۹) تبلیغ روشن و آشکار و آمیخته با نصیح و خیرخواهی

از جمله روش‌هایی که پیامبر ﷺ، با استفاده از آن، دل‌ها را تحت نفوذ قرار می‌داد چنان‌که اشک‌هایشان را جاری می‌ساخت، استفاده از بلاغ بود. بلاغ مبین یعنی تبلیغ روشن و آشکار؛ یعنی در عین این‌که اوج حقایق است ساده و روشن است. واژه‌ی بلاغ معمولاً همراه با واژه‌ی نصیح آمده؛ یعنی خیرخواهی. در لغت عرب نصیح نقطه‌ی مقابل غش است. وقتی در کالایی از غیر خودش مخلوط می‌شود گویند غش شده، اما نقطه‌ی مقابل آن نصیح، یعنی خالص است. پس کسی می‌تواند داعی الی الله باشد که سخنش نصیح باشد، یعنی انگیزه‌ای جز خیر و مصلحت مردم نداشته باشد و سخنش از سوز دل برخیزد.

به مصداق «ان الکلام اذا خرج من القلب دخل فی القلب و اذا خرج من اللسان

لم يتجاوز الاذان»، سخنی که از دل برآید بر دل نشیند و سخنی که از زبان برآید و دل از آن بی خیر باشد از گوش های مردم تجاوز و عبور نمی کند. همه ی سخنان پیامبران علیهم السلام از نصیح است.

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ (اعراف، ۶۲)  
وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أُنْصَحَ لَكُمْ (هود، ۳۴)  
أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (اعراف، ۶۸)  
أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ  
(اعراف، ۷۹)

امام علی علیه السلام درباره ی پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید:

و نصیح للحق و هدی الی الرشد و امر بالقصد (نهج البلاغه، خ ۱۹۵).  
مردم را نصیحت فرمود و آنان را به سوی کمال هدایت کرد و به میانه روی و عدالت فرمان داد.

و نیز می فرماید:

و نصیح لامته منذراً و دعا الی الجنة مبشراً (نهج البلاغه، خ ۱۰۹)

و خود پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

من یضمن لی خمساً اضمن له الجنة، النصیحة لله عز و جل و  
النصیحة لرسوله و النصیحة لکتاب الله و النصیحة لیدین الله و  
النصیحة لجماعة المسلمین (مجلسی ۷۵، ۱۴۰۳ هـ، ۶۵ و صدوق،  
خصال ۱، ۱۴۰۸ هـ، ۲۹۴)

### ۱۰) ظرفیت و شرح صدر

یکی دیگر از روش هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله در تبلیغ دین از آن استفاده می کرد، شرح صدر و ظرفیت بالای ایشان بود. گرچه پیام وقتی صرفاً در قالب حسی باشد چندان سخت نیست، اما رساندن یک پیام به چشم و گوش و قلب مردم سختی خاص خود را دارد؛ یعنی بیان به گونه ای باشد تا عمق عقل نفوذ نماید.

خداوند متعال در قرآن، درباره‌ی ایشان، می‌فرماید:

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (انشراح، ۱)

آیا سینه‌ات را برایم نگشودیم؟

شرح در لغت به معنای باز کردن، گشادن، گستردن، فراخی بخشیدن و روشن و آشکار ساختن است و نیز به معنای حل و گشودن مطلبی پیچیده و مشکل و بیان کردن یک امر نیز آمده است.

و صدر به معنای سینه است. البته در این جا مراد از شرح صدر یا سعه‌ی صدر جنبه‌ی مادی آن نیست، بلکه مراد از صدر حقیقتی است که به قلب انسان تعلق دارد.

شرح صدر از الطاف الهی است که چون کسی واجد آن شد، مقاوم، پرحوصله و توانا می‌گردد؛ سختی‌ها و مشکلات را تحمل کرده، راه به مقصد می‌برد. در واقع به سبب همین شرح صدر بود که پیامبر ﷺ آن همه سختی و نامردمی را با گشاده رویی تحمل کرد و آزارها، فشارها و مصیبت‌ها نتوانست او را از میدان مبارزه در راه حق و هدایت خلق به در برد. راز پیروزی و موفقیت رسول خدا ﷺ در تبلیغ، صبر و استقامتی بود که به سبب شرح صدر از خود بروز داد، لذا قرآن خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا مَزْمَل، (۱۰).  
ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ  
(فصلت، ۳۴).

## ۱۱) آغاز از نزدیکان و وابستگان

تردیدی نیست که نزدیکان هر فرد می‌توانند بهترین یاران و مدافعان او باشند، به خصوص اگر هر دو از افق فکری یکسانی برخوردار باشند. این نکته در جوامع قبیله‌ای بیشتر خود را نشان می‌دهد. از این رو پیامبر ﷺ در اولین مرحله‌ی تبلیغ علنی خویش به سراغ خویشان خود رفت؛ «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء،

۲۱۴).

لذا پیامبر ﷺ در اولین فرصت از خویشاوندان دعوت گرفت و موقعیت خود را برایشان توضیح داد. کمک کسانی مثل خدیجه رضی الله عنها یا امام علی رضی الله عنه، ابوطالب رضی الله عنه و بعدها حمزه رضی الله عنه و دیگر افراد شاخه بنی هاشم، که نقش بسیار مهمی در گسترش اسلام داشتند، ناشی از همان دعوت نخستین بود.

### ۱۲) همسویی با قشر آسیب‌پذیر جامعه

معمولاً افراد محروم و ناراضی از شرایط موجود در برابر پیام‌های آزادی‌بخش و نوید آفرین زودتر از دیگران پاسخ می‌دهند و به همین دلیل بهتر از دیگران پیام‌ها را می‌شنوند و درباره‌ی آن می‌اندیشند؛ چراکه باعث تغییر شرایط، امید به زندگی ایشان می‌شود و بالاخره چیزی را هم از دست نمی‌دهند.

اما افراد برخوردار، که احساس می‌کنند موقعیت خود را نیز از دست می‌دهند، در برابر پیام معمولاً مقاومت می‌کنند. با توجه به همین حقیقت بود که پیامبر ﷺ توجه ویژه‌ای به افراد طبقه‌ی پایین جامعه و بردگان می‌نمود و به همین دلیل بود که طرفداران وی در اوایل بعثت از محرومین جامعه بودند.

تکیه بر قشر محروم نه تنها در مکه و مدینه و در بین قبیله‌های اطراف آن تأثیر جدی خود را در گرایش به اسلام و گسترش آن گذاشت که تأثیر مثبتی هم در گسترش اسلام به خارج از جزیره‌العرب نهاد و زمینه‌ساز گرایش دیگر اقوام و ملل به اسلام شد.

### ۱۳) تأکید بر تداوم و همگونی با پیام‌های پیامبران پیشین

از روش‌های موفق پیامبر ﷺ در تبلیغ پیام خود تأکید به همگونی آن با پیامبران رضی الله عنهم پیشین بود. شماری از اهل کتاب در جزیره‌العرب به ویژه در مدینه بودند که این تأکید بر پیام پیامبران پیشین رضی الله عنهم به خوبی آنها را به اسلام جذب می‌کرد.

«وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ



عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا» (بقره، ۸۹).

«وَأَمِينُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰ كَافِرِينَ» (بقره، ۴۱).

پیامبر ﷺ با این روش پیام خود را تداوم راه پیامبران گذشته ﷺ به شمار آورد.

### ۱۴) تکیه بر بیدار گری خرد و برانگیختن فطرت

اندیشه‌ی بشری، اگر به خوبی به کار گرفته شود، پذیرای پیام‌های وحیانی خواهد بود. پیامبر الهی با هدایت حضرت حق همواره بر آن بود تا غبار غفلت از خرد انسان‌ها برداید و با بهره‌گیری از مثال‌ها به ذهن مخاطبان نزدیک می‌شد و با خواندن آیاتی همچون «لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ، لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ، لتعلمون و انظروا...»، بهره‌ی لازم را می‌برد و با این‌گونه آیات قدرت تفکر و خردورزی افراد اجتماع را به فعلیت می‌رساند. وی در تبلیغات خود فطرت و وجدان غبارگرفته‌ی انسان را بیدار و موانع رشد و حقیقت‌جویی را از سر راه برمی‌داشت و آنان را به درک حقایق و شناخت واقعیات رهنمون می‌ساخت (نهج‌البلاغه، خ ۱، ۳۳).

### ۱۵) ساده‌سازی در اعمال و رفتار دینی

بدون تردید، معمولاً، توده‌ی مردم از سختی‌ها گریزان و همواره به دنبال دینی هستند که کارها را ساده و کم زحمت ارائه دهد، از این رو دین‌هایی که آداب و سنت‌های سخت و طاقت فرسا دارند کم‌تر با روحیه‌ی ساده‌خواه بشر هماهنگ می‌شوند. پیامبر ﷺ به کرات در گفته‌های خود بر سادگی و آسانی دین اسلام تأکید می‌کرد؛ «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره، ۱۸۵). در پیامی که به مبلغان اعزامی به اطراف سفارش می‌کرد می‌گفت: «يسر و لا تعسر»، «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا الْإِسْعَةً» (بقره، ۲۸۶)، (مطهری، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ۲۴۲).

۱۶) به زبان قوم سخن گفتن

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا يَلْسَانٍ قَوْمِهِ لِیُبَیِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم، ۴).

وقتی زبان، هماهنگ و همسو با زبان عرف جامعه بود زودتر اثر خود را می‌گذارد؛ «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ» (آل عمران، ۱۸۷).

۱۷) رشد فکر و فرهنگ

انسان آزاد آفریده شده و طرفدار آزادی و خواستار رفع موانع آزادی است. بر این اساس انسان‌های در بند و اسیر معمولاً متخلق بار نیامده و نمی‌توانند تفکرات و خواسته‌های خود را به اجرا درآورند. طلوع اسلام طلوع آزادی بود و تمام زنجیرهایی را که بر دست و پای مردم گذاشته شده بود پاره کرد و در عوض به آنها عزت و آزادی و استقلال بخشید.

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف، ۱۰۸).

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لا تكن عبد غيرك وقد خلقك الله حراً (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف، ۱۵۷).

دیگر عوامل و روش‌های تبلیغی را به شکل اجمالی برمی‌شمریم:

۱۸) زمینه‌شناسی (نحل، ۱۲۵)؛

۱۹) ثبات و استقامت؛

۲۰) مهربانی و مهرورزی (آل عمران، ۱۵۹؛ بحار، ۱۸، ۲۴۱)؛

۲۱) دردآشنایی؛

۲۲) بهره‌گیری از تشویق‌های مادی؛

۲۳) بهره‌گیری از روش‌های قبیله‌ای؛

۲۴) امید دادن به آینده؛

۲۵) بهره‌گیری از تاریخ؛

۲۶) روش تبشیر و انداز؛

۲۷) پرهیز از تکلف؛

۲۸) بیداری وجدان؛

۲۹) ابلاغ احکام و ارزش‌های الهی؛

۳۰) احترام به افکار عمومی؛

۳۱) نرمش و مدارا در مسائل شخصی و صلابت در مسائل اصولی؛

۳۲) تشریح قوانین هماهنگ با نیازها و خواسته‌های بشری؛

۳۳) تواضع و صلابت و...

این شیوه‌ها تمام روش‌هایی نیست که پیامبر ﷺ برای گسترش آیین اسلام به کار گرفتند، بلکه ایشان از هر روشی که با فرمان‌های الهی و اصول انسانی منافات نداشت، برای گسترش دین بهره می‌گرفت و همین باعث شد که با بهره‌گیری از روش‌های مختلف در مدتی کوتاه از یک مصلح تنها و بی‌یاور به یک قدرت جهانی و پایدار تبدیل شود.

پایان بخش مقال را متبرک می‌کنیم به سخنانی از امام علی علیه السلام در باب شیوه‌های تبلیغی پیامبر ﷺ، باشد که راهنمای همه‌ی مبلغین و دیندارانمان قرار گیرد.

سنته القصد، و فعله الرشد و قوله الفصل، حکمه العدل کلامه بیان و صمته افصح لسان (آمدی، ۱۳۷۸ هـ، ۱۳۸) طیبی دوار بطبه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه یضع حیث الحاجة الیه من قلوب عمی و آذان صم و السنة بکم و یتبع بدوائه مواضع الغفلة و مواطن الحیرة (همان، ۱۳۸).

چونان پزشکی بود که برای طبابت در گردش بود از دل‌های کوز، گوش‌های کر و زبان‌های گنگ، بیدار دل و شنوا و بینا می‌ساخت و هرگونه غفلت و حیرانی را می‌زدود.

## منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) آمدی، عبدالواحد محمد (۱۳۷۸ هـ)، غرر الحکم و درر الکلم، قسم، ترجمه ی محمد علی انصاری.
- ۳) ابن اثیر (۱۳۸۷ هـ)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العربیه.
- ۴) امینی، عبدالحسین (۱۴۰۵ هـ)، الغدیر فی الکتاب و السنه، بیروت.
- ۵) جهاد سازندگی (بی تا)، زبان سرخ، بی جا.
- ۶) دلشاد، مصطفی (۱۳۷۳)، سیره نبوی، سازمان چاپ و انتشارات.
- ۷) راجر مانول، فرنگل (بی تا)، هانریش (گوبلز)، ترجمه ی مهدی شهبهانی.
- ۸) راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (بی تا)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
- ۹) رزاقی، احمد (۱۳۷۷)، جایگاه تبلیغات در جهان امروز انتشارات سازمان تبلیغات، چاپ اول.
- ۱۰) شیخ صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۴۰۸ هـ)، خصال، بی جا.
- ۱۱) شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۳۶۳)، امالی، بی جا.
- ۱۲) صالح، صبحی (۱۴۰۷ هـ)، نهج البلاغه، قم، دارالهجره.
- ۱۳) قرائتی، محسن (۱۳۸۵)، سیره پیامبر اکرم، مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
- ۱۴) قمی، شیخ عباس (۱۳۵۵)، سفینه البحار، سنایی.
- ۱۵) مارکوزه، هربرت (بی تا)، انسان تک ساحتی، بی جا.
- ۱۶) متقی الهندی، علی (۱۴۰۵ هـ)، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ۱۷) مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ هـ)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا.
- ۱۸) مطلبی، ابوالحسن و دیگران (۱۳۸۰)، سیره نبوی، انتشارات کلیدر.
- ۱۹) مطهری، مرتضی (بی تا)، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، انتشارات صدرا.
- ۲۰) مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، حق و باطل، انتشارات صدرا.
- ۲۱) مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، سیری در نهج البلاغه، انتشارات صدرا.